

نقش کمیسیون‌های تحقیق شورای حقوق بشر در نظارت بر اجرای حقوق بین‌الملل با تاکید بر سرزمین‌های اشغالی فلسطین

سید قاسم زمانی

استاد، گروه حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

zamani@atu.ac.ir

مریم کاظمی دمنه (نویسنده مسئول)

دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

maryam.kazemid2023@gmail.com

چکیده

کمیسیون‌های تحقیق شورای حقوق بشر¹ به عنوان مهم‌ترین سازوکارهای غیرقضایی نظارت بین‌المللی، از طریق مدل «نظارت مع‌الواسطه» عمل می‌کنند. این نهادها با تولید دانش حقوقی معتبر، شبکه‌ای از کنشگران (دیوان‌ها، نهادهای سیاسی، جامعه مدنی) را با تامین داده‌های حقوقی توانمند ساخته و با ایجاد فشار هنجاری، زمینه پاسخگویی دولت‌ها را فراهم می‌آورند. کمیسیون تحقیق در مورد سرزمین‌های اشغالی فلسطین (تأسیس ۲۰۲۱) نمونه بارز این کارکرد است. این کمیسیون با مستندسازی الگوهای تکرارشونده نقض، تحلیل ساختاری سیاست‌های اسرائیل و وصف حقوقی پیشرو (از جمله بررسی اتهام آپارتاید)، دانشی معتبر تولید کرده است. رویکرد یکپارچه آن در تلفیق حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، چارچوبی جامع برای تحلیل اشغال طولانی‌مدت ارائه می‌دهد.

در مرحله فعال‌سازی شبکه، یافته‌های کمیسیون با تامین داده‌های حقوقی معتبر، نهادهایی چون دیوان کیفری بین‌المللی و دیوان بین‌المللی دادگستری را در رسیدگی به وضعیت فلسطین توانمند ساخته است. مطالعه موردی غزه نشان می‌دهد این نهاد با تحلیل یکپارچه محاصره، مستندسازی الگوهای نقض اصول تفکیک، تناسب و احتیاط در عملیات‌های نظامی مکرر، و صورت‌بندی «تداوم درگیری» به مثابه سیستم خشونت ساختاری، روایت حقوقی مسلط را به چالش کشیده است. علیرغم محدودیت‌هایی چون عدم همکاری مستمر و سیستماتیک اسرائیل، کمیسیون نقشی کاتالیزوری در تغییر گفتمان بین‌المللی و تقویت فرآیندهای پاسخگویی ایفا کرده است.

واژگان کلیدی: کمیسیون‌های تحقیق شورای حقوق بشر سازمان ملل، نظریه نظارت مع‌الواسطه، سازوکارهای غیرقضایی حقوق بشر، حقوق بشر بین‌المللی، حقوق بشردوستانه بین‌المللی، هنجارسازی حقوق بین‌المللی.

¹¹ Commissions of Inquiry

**The Role of the Human Rights Council's Commissions of Inquiry in Monitoring the
Implementation of International Law
With an Emphasis on the Occupied Palestinian Territories**

Abstract

The Human Rights Council's Commissions of Inquiry function as crucial non-judicial mechanisms through a model of "mediated supervision." By producing credible legal knowledge, they empower a network of actors—including courts, political bodies, and civil society- and through normative pressure, they pave the way for state accountability. The Commission of Inquiry on the Occupied Palestinian Territories, established in 2021, exemplifies this function. It has generated credible knowledge by documenting recurring violation patterns, structurally analyzing Israeli policies, and employing progressive legal characterizations, including examination of the apartheid charge. Its integrated approach, combining international human rights law and international humanitarian law, provides a comprehensive framework for analyzing prolonged occupation.

In the network activation stage, the Commission's findings have empowered institutions like the International Criminal Court and the International Court of Justice by providing credible legal data for addressing the Palestine situation. The Gaza case study demonstrates how the Commission has challenged dominant legal narratives through integrated analysis of the siege, documentation of patterns violating distinction, proportionality, and precaution principles in recurring military operations, and by framing the "continuum of conflict" as a system of structural violence.

Despite limitations such as Israel's persistent non-cooperation, the Commission has played a catalytic role in shifting international discourse- reframing the issue from "conflict" to occupation and apartheid- and strengthening accountability processes before international judicial bodies.

Keywords: United Nations Human Rights Council Commissions of Inquiry, Mediated Supervision Theory, Non-Judicial Human Rights Mechanisms, International Human Rights Law, International Humanitarian Law, Norm-Setting in International Law.

مقدمه

روند تحول از کمیسیون حقوق بشر به شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، نشان‌دهنده تکامل سازوکارهای نظارت بر اجرای حقوق بین الملل است.^۲ در دو دهه گذشته، تحولات جهانی و افزایش اهمیت حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، باعث شکل‌گیری سازوکارهای متنوعی برای پاسخ‌گو کردن دولت‌ها شده است. یکی از مهم‌ترین این سازوکارها، کمیسیون‌های تحقیق شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد هستند. این کمیسیون‌ها با مأموریت جمع‌آوری شواهد، تحلیل علل نقض‌ها و ارائه توصیه‌های سیاستی و حقوقی، نقش منحصر به فردی در معماری حقوق بین الملل ایفا می‌کنند.^۳ پرونده سرزمین‌های اشغالی فلسطین، به ویژه غزه، یکی از مهم‌ترین موارد مورد بررسی کمیسیون‌هاست. با وجود محدودیت‌های سیاسی و عدم همکاری دولت اسرائیل، کمیسیون‌ها توانسته‌اند با استفاده از روش‌های چندمنبعی شامل مصاحبه با شاهدان، اسناد رسمی و تصاویر ماهواره‌ای، نقض‌های مستمر حقوق بشر و حقوق بشردوستانه را مستندسازی کنند.^۴ عملکرد شورای حقوق بشر سازمان ملل نسبت به اسرائیل عمدتاً در قالب تصویب قطعنامه و تشکیل نهادهای تحقیق متجلی شده است.^۵ کمیسیون تحقیق مربوط به سرزمین‌های اشغالی در پی تشدید درگیری‌های مه ۲۰۲۱ و طبق قطعنامه S-30/1 شورای حقوق بشر در ماه می همان سال، تأسیس و تاکنون مأموریت آن تمدید شده است. بررسی فعالیت این کمیسیون به چند دلیل از جمله: نخست، تداوم یکی از طولانی‌ترین موارد اشغال نظامی در تاریخ معاصر (از سال ۱۹۶۷)؛ دوم، تکرار دوره‌های شدید درگیری‌های مسلحانه با تلفات سنگین غیرنظامی؛ سوم، وجود ادعاهای مستند شده توسط نهادهای متعدد بین‌المللی دال بر اعمال تبعیض سیستماتیک، نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی^۶ به عنوان نمونه‌ای مناسب جهت بررسی در این مقاله انتخاب شده است. پرسش محوری این مقاله عبارت است از: کمیسیون تحقیق شورای حقوق بشر در مورد سرزمین‌های اشغالی فلسطین، چگونه و با چه مکانیسم‌هایی در نظارت بر اجرای حقوق بین‌الملل، به ایفای نقش در پاسخگو کردن دولت اسرائیل در عرصه بین‌المللی می‌پردازد؟ این پژوهش با اتکا بر روش تحلیل حقوقی-کیفی و با بهره‌گیری از مطالعه موردی انجام شده است. داده‌های اولیه پژوهش شامل متن گزارش‌های رسمی دوره‌ای کمیسیون تحقیق مربوط به سرزمین‌های اشغالی فلسطین به ویژه گزارش‌های شماره A/HRC/50/21 (2022)، A/HRC/53/21 (2023) و A/HRC/56/26 (2024)، قطعنامه‌های مربوطه شورای حقوق بشر، صورت‌جلسات و بیانیه‌های نهادهای مختلف سازمان ملل و همچنین اسناد حقوقی بین‌المللی مرتبط و داده‌های ثانویه مشتمل بر طیف گسترده‌ای از آثار آکادمیک در حوزه حقوق بین الملل می‌باشد. با توجه به دامنه موضوع این پژوهش و محدودیت منابع تخصصی منتشرشده به زبان فارسی، داده‌های این مقاله عمدتاً بر منابع علمی زبان انگلیسی، متکی است. هدف این مقاله، ارائه

^۲ سید قاسم زمانی، «نظارت جهانی بر اجرای حقوق بشر: از کمیسیون تا شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد»، مجله پژوهش‌های حقوقی، ش ۹ دوره ۵ (۱۳۸۵).

^۳ Han Jun Kim, "The Role of UN Commissions of Inquiry in the Development of International Human Rights Norms: An Analysis of the Mediated Supervision Theory," *Journal of International Law and Politics* 48, no. 1 (2016): 45-89.

^۴ United Nations Human Rights Council, "Report of the Independent International Commission of Inquiry on the Occupied Palestinian Territory, Including East Jerusalem, and Israel," A/HRC/53/21 (2023).

^۵ مجید بزرگمهری و حمید جان‌نثار ملکوتی، «عملکرد شورای حقوق بشر سازمان ملل نسبت به اسرائیل»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نوزدهم، ش ۱ (۱۳۹۵).

^۶ . Orna Ben-Naftali, Aeyal M. Gross, and Keren Michaeli, *The ABC of the OPT: A Legal Lexicon of the Israeli Control over the Occupied Palestinian Territory* (Cambridge: Cambridge University Press, 2021).

تحلیلی دقیق از نقش کمیسیون‌های تحقیق در پاسخ‌گو کردن دولت‌ها، مستندسازی نقض‌ها و ایجاد فشار هنجاری و شناسایی فرصت‌ها و محدودیت‌های این نهادها در نظارت بر اجرای حقوق بین‌الملل است.^۷ بررسی تطبیقی نشان می‌دهد که کمیسیون‌های تحقیق اولیه که بر اساس کنوانسیون‌های لاهه ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ تأسیس می‌شدند، ویژگی‌های کاملاً متفاوتی داشتند. این کمیسیون‌های سنتی صرفاً به "شفاف‌سازی حقایق از طریق یک تحقیق بی‌طرفانه" می‌پرداختند و گزارش‌هایی آنها صرفاً "بیانیه حقایق" بود و "به هیچ وجه جنبه رأی داور" نداشت. هدف اصلی آنها حل و فصل اختلافات بین‌المللی با رویکردی "معامله‌گرایانه" و "فرو نشاننده" بود.^۸ با تأسیس شورای حقوق بشر در سال ۲۰۰۶، شاهد "تغییر بنیادین" در کارکرد این کمیسیون‌ها هستیم. مأموریت کمیسیون‌های تحقیق معاصر صرفاً واقعیت‌محور نیست، بلکه "ابعاد حقوقی برجسته‌ای" یافته است.^۹ این کمیسیون‌ها اکنون اهداف "تغییردهنده" و "اقتدارآفرین" را دنبال می‌کنند و در پی محکومیت نقض‌ها و برانگیختن واکنش بین‌المللی هستند.

۱. چارچوب نظری: نظارت مع‌الواسطه و کاربرد آن در تحلیل کمیسیون‌های تحقیق

۱/۱. مبانی و پیشینه نظریه نظارت مع‌الواسطه

نظریه نظارت مع‌الواسطه که توسط هان جون کیم در سال ۲۰۱۶ صورت‌بندی و ارائه شد، چارچوبی تحلیلی برای درک چگونگی عملکرد و تأثیرگذاری نهادهای بین‌المللی فاقد قدرت اجرایی مستقیم و سلسله‌مراتبی بر دولت‌ها است.^{۱۰} خاستگاه این نظریه را می‌توان در ادبیات گسترده‌تر مربوط به «حکمرانی بدون حکومت» و نقش نهادهای بین‌المللی در تنظیم رفتار دولت‌ها جستجو کرد.^{۱۱} کیم با تمرکز بر کمیسیون‌های تحقیق سازمان ملل، استدلال می‌کند که این نهادها نه از طریق ابزارهای اجبارآمیز سنتی، بلکه از مسیر یک فرآیند غیرمستقیم و چندمرحله‌ای اعمال نفوذ می‌کنند که در آن تولید اطلاعات معتبر و فعال‌سازی شبکه‌های کنشگری، جایگزین اختیارات رسمی می‌شود. پیش از کیم، محققان دیگری نیز به مطالعه مکانیسم‌های غیرقضایی نظارتی پرداخته بودند. برای نمونه، آلتون و ناکی^{۱۲} در اثر کلیدی خود با عنوان «دگرگونی در کشف واقعیت حقوق بشری»، تحول روش‌شناختی و نقش سیاسی نهادهای تحقیق‌کننده را بررسی کرده‌اند. با این حال، نوآوری نظریه کیم در ارائه یک مدل سه‌مرحله‌ای نظام‌مند است که چگونگی تبدیل «یافته‌های تحقیق» به «فشار برای تغییر» را به صورتی پیوسته و منطقی تبیین می‌کند. این نظریه به ویژه برای تحلیل مواردی مناسب است که نهاد ناظر با مقاومت شدید دولت هدف مواجه است و ابزارهای مستقیم نفوذ در اختیار ندارد - دقیقاً همان شرایطی که کمیسیون تحقیق فلسطین در آن عمل می‌کند.

۱/۲. مدل سه‌مرحله‌ای نظارت مع‌الواسطه

⁷ Michael Becker and Sarah Nouwen, "International Commissions of Inquiry: What Difference Do They Make?," *European Journal of International Law* 30, no. 1 (2019): 102-110; William A. Schabas, *An Introduction to the International Criminal Court*, 6th ed. (Cambridge: Cambridge University Press, 2023).

⁸ Larissa J. van den Herik, "An Inquiry into the Role of Commissions of Inquiry in International Law: Navigating the Tensions between Fact-Finding and Application of International Law," *Chinese Journal of International Law* 13, no. 3 (2014): 509-510.

⁹ Ibid., para. 508.

¹⁰ Kim, "The Role of UN Commissions of Inquiry."

¹¹ Tanja A. Börzel, "European Governance: Negotiation and Competition in the Shadow of Hierarchy," *JCMS: Journal of Common Market Studies* 48, no. 2 (2010): 191-219.

¹² Philip Alston and Sarah Knuckey, eds., *The Transformation of Human Rights Fact-Finding* (Oxford: Oxford University Press, 2016).

بر اساس نظریه کیم، فرآیند نظارت معالواسطه از سه مرحله درهم‌تنیده و متوالی تشکیل می‌شود که در ادامه به تفصیل هر یک بررسی می‌شود:

مرحله اول: تولید دانش معتبر: در این مرحله، نهاد ناظر (در اینجا کمیسیون تحقیق) با به‌کارگیری یک روش‌شناسی دقیق، شفاف و مطابق با استانداردهای پذیرفته شده بین‌المللی، به جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات می‌پردازد. هدف، خلق یک «دانش معتبر» درباره وقایع و زمینه‌های آن است. اعتبار این دانش از چند منبع نشأت می‌گیرد: نخست، مشروعیت نهادی ناشی از مأموریت محول شده از سوی یک مرجع بین‌المللی شناخته شده مانند شورای حقوق بشر. دوم، اعتبار روش‌شناختی حاصل از رعایت اصولی چون بی‌طرفی، استقلال، و عینیت سوم، اتکا به چارچوب‌های پذیرفته شده، یعنی ارجاع مستمر یافته‌ها به قواعد و استانداردهای حقوق بین‌الملل که مورد توافق جامعه بین‌المللی است.^{۱۳}

مرحله دوم: فعال‌سازی شبکه کنشگران: دانش تولیدشده در مرحله اول به خودی خود تغییری ایجاد نمی‌کند. کارکرد اصلی آن، توانمندسازی و بسیج شبکه‌ای از کنشگران ثالث است که بالقوه توان تأثیرگذاری بر دولت متخلف را دارند. کیم این کنشگران را به عنوان «اجراءکنندگان واسطه‌ای» توصیف می‌کند. این شبکه می‌تواند بسیار گسترده و متنوع باشد و شامل موارد ذیل گردد:

۱. نهادهای قضایی و شبه‌قضایی بین‌المللی: مانند دیوان کیفری بین‌المللی، دیوان بین‌المللی دادگستری یا مکانیسم‌های دآوری بین‌المللی.

۲. ارگان‌های سیاسی بین‌المللی: همچون مجمع عمومی سازمان ملل، شورای امنیت (در صورت وجود اراده سیاسی)، شورای حقوق بشر و سازمان‌های منطقه‌ای (اتحادیه اروپا، اتحادیه عرب).

۳. دولت‌های عضو: هم به صورت انفرادی (از طریق اقدامات دیپلماتیک، تحریم‌های یکجانبه، یا اعمال صلاحیت جهانی) و هم به صورت جمعی (از طریق قطعنامه‌ها یا تصمیمات در مجامع بین‌المللی). کمیسیون تحقیق در سند (اکتبر ۲۰۲۴) اعلام کرد که اقدامات غیرقانونی اسرائیل مسئولیتی نه تنها برای این دولت، بلکه برای همه دولت‌های ثالث در راستای عدم کمک به حفظ اشغال ایجاد می‌کند.

۴. سازمان‌های جامعه مدنی: شامل سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی (مانند عفو بین‌الملل، دیده‌بان حقوق بشر)، شبکه‌های مردمی مانند جنبش BDS^{۱۴} و نهادهای رسانه‌ای.

۵. اجزای داخلی دولت هدف: در شرایط ایده‌آل، گزارش‌ها می‌توانند نهادهای مختلف داخل کشور را برای مطالبه پاسخگویی بسیج کنند، هرچند این اثر در مورد اسرائیل بسیار محدود بوده است.

به این ترتیب کمیسیون تحقیق از طریق انتشار عمومی گزارش‌ها، ارائه شفافه‌ی در شورای حقوق بشر، نشست‌های اطلاع‌رسانی برای دیپلمات‌ها و رسانه‌ها و همکاری با نهادهایی مانند دیوان کیفری بین‌المللی، این شبکه را فعال کرده و داده‌های حقوقی لازم را تأمین می‌کند. نقش کمیسیون در این مرحله، نقش تسهیل‌گری است که منابع اطلاعاتی و تحلیل‌های مورد نیاز برای اقدام دیگران را فراهم می‌آورد.

مرحله سوم: ایجاد فشار هنجاری و تغییر محاسبات: کنشگران فعال شده در مرحله دوم، با استفاده از ابزارها خاص خود، بر دولت متخلف فشار می‌آورند تا هزینه نقض را افزایش دهند. این فشار می‌تواند اشکال گوناگونی مانند: فشار قضایی همچون

¹³ . Andrei Bărcă, "The Normative Power of UN Fact-Finding Missions: A Study of Mediated Impact," *International Organizations Law Review* 17, no. 2 (2020): 234–267.

¹⁴ جنبش BDS (تحریم، عدم سرمایه‌گذاری و تحریم) یک جنبش جهانی، غیرمتمرکز و مردمی است که از فلسطینیان برای دستیابی به حقوق خود حمایت می‌کند.

گشایش پرونده در دیوان کیفری بین‌المللی یا اقامه دعوی در دیوان بین‌المللی دادگستری، فشار سیاسی - دیپلماتیک، مانند تصویب قطعنامه‌های محکومیت در مجامع بین‌المللی، فراخواندن سفیران، یا تعلیق عضویت در نهادهای بین‌المللی، فشار اقتصادی از جمله تحریم‌های هدفمند، قطع کمک‌های مالی، یا تصمیم شرکت‌های چندملیتی برای خروج از بازار و فشار اجتماعی - نمادین، داشته باشد.

در تحلیل این مدل، باید به "تناقض ذاتی" موجود در مأموریت کمیسیون‌های تحقیق توجه کرد. زیرا از یک سو آنها را به "کشف حقایق" با استفاده از زبان حقوقی تشویق می‌کند و از سوی دیگر به نظر می‌رسد پیش فرض را بر این می‌گذارند که نقض‌هایی رخ داده است. در رویه عملی، کمیسیون‌ها رویکردهای متفاوتی در مواجهه با این تناقض اتخاذ کرده‌اند. برای نمونه، کمیسیون کارشناسان یوگسلاوی سابق تأکید کرد که وظیفه آن صرفاً ارائه نتایج درباره شواهد است و تحلیل مسائل حقوقی در صلاحیت دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق است. در مقابل، کمیسیون تحقیق کره شمالی مأموریت داشت تا نقض‌ها را مستند کرده و در مواردی که این نقض‌ها مصداق جنایت علیه بشریت هستند، مسئولیت مرتکبان را شناسایی کند. این دوگانگی رویکردها نشان‌دهنده تنش میان کارکرد "کشف واقعیت" و "تطبیق قانون" در این نهادها است.^{۱۵}

۲. کمیسیون تحقیق سرزمین‌های اشغالی: مبانی حقوقی، روش‌شناسی و رویکرد تحلیلی

۲/۱. مبانی شکل‌گیری، مأموریت گسترده و تحدیدهای عملی

کمیسیون تحقیق سرزمین‌های اشغالی فلسطین در تاریخ ۲۷ مه ۲۰۲۱ و طی یک نشست ویژه شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، در واکنش به تشدید خشونت‌ها در غزه و کرانه باختری، تأسیس گردید. قطعنامه تأسیس‌کننده A/HRC/RES/S-30/1، مأموریتی وسیع و بی‌سابقه به این کمیسیون محول نمود که فراتر از بررسی وقایع خاص مه ۲۰۲۱ بود.^{۱۶} این مأموریت شامل "بررسی همه ادعاهای مربوط به نقض‌ها و سوءاستفاده‌های حقوق بشر بین‌المللی و حقوق بشردوستانه بین‌المللی که پیش، در حین و پس از حملات مه ۲۰۲۱ رخ داده‌اند" و نیز "تحلیل علل ریشه‌ای درگیری‌های مکرر، از جمله تبعیض و سرکوب سیستماتیک" می‌شد. (پاراگراف ۱۴ قطعنامه) وسعت این مأموریت، که شامل بررسی "همه زمینه‌های تعیین‌کننده" بود، به کمیسیون اجازه داد تا از چارچوب زمانی محدود فراتر رفته و به تحلیل ساختاری عمیق‌تری از وضعیت بپردازد.

چارچوب حقوقی فعالیت کمیسیون مبتنی بر اختیارات تفویض‌شده از سوی شورای حقوق بشر، به عنوان یک رکن فرعی مجمع عمومی سازمان ملل، مطابق قطعنامه ۲۵۱/۶۰ مجمع عمومی است.^{۱۷} با این حال، از همان ابتدا، کمیسیون با یک تحدید عملی بنیادین مواجه بود: دولت اسرائیل به‌طور رسمی اعلام نمود که با این کمیسیون همکاری نخواهد کرد و آن را به جانبداری و سیاسی‌کاری متهم ساخت. این موضع، ادامه سیاست بلندمدت اسرائیل مبنی بر عدم همکاری با مکانیسم‌های تحقیق شورای حقوق بشر بود که پیش از این نیز در مورد کمیسیون‌های تحقیق پیشین (مانند کمیسیون تحقیق درباره درگیری غزه ۲۰۱۴) اتخاذ شده بود.^{۱۸} این عدم همکاری شامل خودداری از اعطای دسترسی به قلمرو تحت کنترل اسرائیل (از جمله سرزمین‌های اشغالی)، عدم ارائه هرگونه اطلاعات یا اسناد رسمی و امتناع از مشارکت در جلسات استماع یا ارائه دیدگاه‌های دولت بود.

۲/۲. استاندارد ادله «دلایل معقول برای باور» و ارتباط آن با فرآیندهای قضایی

¹⁵ . van den Herik, «An Inquiry into the Role of Commissions of Inquiry», ۵۱۱-۵۱۰.

¹⁶ . United Nations Human Rights Council, "Resolution S-30/1. Ensuring Respect for International Law in the Occupied Palestinian Territory, Including East Jerusalem," A/HRC/RES/S-30/1 (2021).

¹⁷ . Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights (OHCHR), *Commissions of Inquiry and Fact-Finding Missions on International Human Rights and Humanitarian Law: Guidance and Practice* (Geneva: OHCHR, 2015).

¹⁸ . . Becker and Nouwen, "International Commissions of Inquiry."

یکی از تصمیمات روش‌شناختی مهم کمیسیون، اتخاذ استاندارد ادله "دلایل معقول برای باور" بود. این استاندارد، که در حقوق بین‌الملل کیفری و توسط دیوان کیفری بین‌المللی نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد، به معنای وجود "مجموعه‌ای از اطلاعات معتبر و قابل اتکا که یک شخص منطقی را به این نتیجه‌گیری می‌رساند" است.^{۱۹} این استاندارد، آستانه‌ای بالاتر از "ظن ساده" اما پایین‌تر از "احتمال قریب به یقین" یا "فرا تر از شک معقول" محسوب می‌شود. انتخاب این استاندارد از سوی کمیسیون، دارای چندین پیامد استراتژیک بود:

۱. افزایش قابلیت اتکای حقوقی یافته‌ها: این استاندارد، یافته‌های کمیسیون را با استانداردهای مقدماتی مورد استفاده در فرآیندهای قضایی بین‌المللی (مانند مرحله بررسی مقدماتی دفتر دادستان دیوان کیفری بین‌المللی) سازگار می‌سازد.

۲. ارتباط مستقیم با دیوان کیفری بین‌المللی: مطابق ماده ۱۵ اساسنامه رم، دادستان دیوان کیفری بین‌المللی می‌تواند بر اساس اطلاعاتی که نشان‌دهنده "دلایل معقول برای باور" به ارتکاب جنایت تحت صلاحیت دیوان است، تحقیقات مقدماتی را آغاز کند. بنابراین، یافته‌های کمیسیون که بر اساس همین استاندارد تهیه شده‌اند، به صورت بالقوه می‌توانند مستقیماً توسط دفتر دادستان مورد استفاده قرار گیرند.^{۲۰}

۳. ایجاد تعادل بین دقت و عملی بودن: در شرایطی که دسترسی مستقیم به محل وقایع وجود ندارد و منابع اطلاعاتی محدود است، استاندارد "دلایل معقول برای باور" به کمیسیون اجازه می‌دهد بدون نیاز به جمع‌آوری ادله در حد مورد نیاز برای محکومیت در یک دادگاه، به نتیجه‌گیری‌های معتبر حقوقی دست یابد. برای مثال، در گزارش A/HRC/53/21، کمیسیون در مورد حمله هوایی به برج الجلالی در غزه در مه ۲۰۲۱ اظهار می‌دارد: "کمیسیون به این نتیجه رسیده است که دلایل معقول برای باور وجود دارد که نیروهای دفاعی اسرائیل ... با علم به حضور غیرنظامیان و بدون اتخاذ کلیه اقدامات احتیاطی عملی ممکن، به ساختمان‌های مسکونی حمله کرده‌اند."^{۲۱} این صورتبندی دقیقاً منطبق با استاندارد مذکور است.

۲/۳. رویکرد تحلیلی یکپارچه

تلفیق حقوق بشر و حقوق بشردوستانه به مثابه چارچوبی ضروری برای تحلیل اشغال طولانی‌مدت یکی از مهم‌ترین نوآوری‌های تحلیلی کمیسیون تحقیق فلسطین، اتخاذ رویکردی یکپارچه نسبت به حقوق بشر بین‌المللی و حقوق بشردوستانه بین‌المللی است. این رویکرد مبتنی بر این درک است که در شرایط اشغال نظامی طولانی‌مدت، مرزهای سنتی بین این دو رژیم حقوقی محو شده و تعهدات ناشی از هر دو به صورت همزمان و مکمل بر دولت اشغالگر بار می‌شود.^{۲۲}

در حقوق بین‌الملل کلاسیک، (یا حقوق جنگ) حقوق بشردوستانه بین‌المللی تنها در زمان درگیری مسلحانه اعمال می‌شود، در حالی که حقوق بشر بین‌المللی در اصل در همه زمان‌ها (هم در صلح و هم در جنگ) قابل اعمال است، هرچند ممکن است در زمان جنگ مشمول توقیف شود. با این حال، رویه قضایی بین‌المللی، به ویژه نظرات مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه "دیوار حائل" (۲۰۰۴) و "تهدید یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای" (۱۹۹۶)، به وضوح نشان داده است که این دو رژیم حقوقی می‌توانند به صورت همزمان اعمال شوند و در موارد تعارض، قاعده "خاص بر عام مقدم است و حکمفرما خواهد است. اما در شرایط اشغال

¹⁹ . Schabas, *An Introduction to the International Criminal Court*, 215

²⁰ . Robert Cryer, Darryl Robinson, and Sergey Vasiliev, *An Introduction to International Criminal Law and Procedure*, 5th ed. (Cambridge: Cambridge University Press, 2021).

²¹ . United Nations Human Rights Council, "Report of the Independent International Commission of Inquiry...", A/HRC/53/21 (2023), para. 67

²² . Marko Milanovic, "The Lost Origins of Lex Specialis: Rethinking the Relationship between Human Rights and International Humanitarian Law," in *Theoretical Boundaries of Armed Conflict and Human Rights*, ed. Jens David Ohlin (Cambridge: Cambridge University Press, 2016), 78–117; Marco Sassòli, *International Humanitarian Law: Rules, Controversies, and Solutions to Problems Arising in Warfare* (Cheltenham: Edward Elgar Publishing, 2019)

طولانی مدت، که در آن عناصری از اداره مدنی و درگیری نظامی کم‌شدت درهم آمیخته‌اند، تشخیص این که کدام رژیم در هر مورد خاص "خاص" محسوب می‌شود، پیچیده است.^{۲۳}

از منظر تطبیقی، کمیسیون‌های تحقیق شورای حقوق بشر معمولاً در انتخاب نظام حقوقی حاکم، رویکردی منعطف و پیشرو اتخاذ می‌کنند. اگرچه این کمیسیون‌ها اساساً با مأموریت بررسی حقوق بشر تأسیس می‌شوند، اما در عمل به طور گسترده به حقوق بشردوستانه بین‌المللی و حقوق کیفری بین‌المللی نیز استناد می‌کنند. این توسعه صلاحیت به این دلیل است که حقوق بشردوستانه امکان بررسی همه‌جانبه‌تر رفتار بازیگران غیردولتی را فراهم می‌آورد و حقوق کیفری بین‌المللی به اهداف مسئولیت‌خواهی خدمت می‌کند. در تفسیر و اجرای قانون، کمیسیون‌ها معمولاً انعطاف‌پذیری قابل توجهی از خود نشان می‌دهند.^{۲۴}

اجرای عملی رویکرد یکپارچه توسط کمیسیون: کمیسیون در گزارش‌های خود به‌طور نظام‌مند وضعیت را هم از منظر حقوق بشردوستانه بین‌المللی و هم حقوق بشر بین‌المللی تحلیل کرده است:

۱. **در تحلیل محاصره غزه:** کمیسیون هم به کنوانسیون چهارم ژنو (به ویژه ماده ۵۵ که دولت اشغالگر را به تأمین غذا و مراقبت‌های پزشکی برای جمعیت تحت اشغال موظف می‌کند) و هم به میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (به ویژه مواد ۱۱ و ۱۲ درباره حق غذا و سلامت) استناد کرده است. کمیسیون استدلال می‌کند که محاصره، هم نقض تعهدات حقوق بشردوستانه و هم نقض تعهدات تحت حقوق بشر بین‌المللی اسرائیل به عنوان قدرت اشغالگر است، زیرا تأثیرات شدید و طولانی‌مدتی بر حقوق اقتصادی-اجتماعی ساکنان غزه دارد.^{۲۵}

۲. **در بررسی شهرک‌سازی:** کمیسیون انتقال جمعیت اشغال‌گر به قلمرو اشغالی را عمده‌تاً ذیل ماده ۴۹ کنوانسیون چهارم ژنو (که چنین اقدامی را ممنوع می‌کند) تحلیل کرده است. اما همچنین به تأثیرات شهرک‌ها بر حقوق بشر فلسطینیان، از جمله حق مالکیت، حق مسکن مناسب، حق آزادی حرکت و حق برابری در مقابل قانون، براساس اسناد حقوق بشر مانند میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز اشاره کرده است.

۳. **در تحلیل عملیات نظامی:** کمیسیون اصول سه‌گانه حقوق بشردوستانه بین‌المللی (تفکیک، تناسب، احتیاط) را مبنای بررسی قرار داده، اما تأثیرات این عملیات بر حقوق بشر، از جمله حق حیات، حق سلامتی، حق آموزش و حق آزادی از ترس را نیز مدنظر قرار داده است

این رویکرد کمیسیون دو مزیت اصلی دارد: اول، از فرار به سمت یک رژیم حقوقی توسط دولت اسرائیل جلوگیری می‌کند. به عبارت دیگر، اسرائیل نمی‌تواند با استناد به این که وضعیت یک "درگیری مسلحانه" است، خود را از تعهدات حقوق بشری مبرا بداند، یا با استناد به این که در حال "اداره قلمرو" است، قواعد سختگیرانه حقوق بشردوستانه را نادیده بگیرد. دوم، این رویکرد تصویر جامع‌تری از تأثیر اقدامات اسرائیل بر زندگی فلسطینیان ارائه می‌دهد. برای مثال، حمله به یک مدرسه را می‌توان هم از منظر حقوق بشردوستانه به عنوان حمله احتمالی به هدف غیرنظامی و هم از منظر حقوق بشر بین‌المللی به عنوان نقض حق آموزش کودکان، تحلیل کرد که در کنار هم، ابعاد کامل تراژدی را نشان می‌دهند. این رویکرد یکپارچه که توسط کمیسیون به کار گرفته شده است، امروزه به عنوان پارادایم مسلط در تحلیل حقوقی وضعیت فلسطین در مجامع آکادمیک و نهادهای بین‌المللی پذیرفته شده است.^{۲۶}

۳. نظارت مع‌الواسطه در عمل: مکانیسم‌های پاسخگویی سازی کمیسیون

²³ . Yoram Dinstein, *The International Law of Belligerent Occupation*, 2nd ed. (Cambridge: Cambridge University Press, 2016).

²⁴ . van den Herik, «An Inquiry into the Role of Commissions of Inquiry», ۵۳۳-۵۳۴.

²⁵ . United Nations Human Rights Council, "Report of the Independent International Commission of Inquiry on the Occupied Palestinian Territory, Including East Jerusalem, and Israel," A/HRC/56/26 (2024), paras. 12–18.

²⁶ . Ben-Naftali, Gross, and Michaeli, *The ABC of the OPT*.

۳/۱. مرحله تولید دانش: مستندسازی الگوها، تحلیل ساختاری نهادی، وصف حقوقی پیشرو

کار کمیسیون تحقیق مربوط به سرزمین‌های اشغالی فلسطین در مرحله اول نظارت مع‌الواسطه، منجر به تولید دانش حقوقی معتبری شده است که دارای سه ویژگی متمایز است:

الف) مستندسازی الگوهای تکرارشونده: به جای تمرکز صرف بر وقایع منفرد و پراکنده، کمیسیون به دنبال شناسایی و مستندسازی الگوهای رفتاری بوده است که نشان‌دهنده سیاست‌ها و رویه‌های نظام‌مند است. برای مثال به موارد زیر اشاره می‌شود:

۱. **الگوی تخریب اموال:** در گزارش (2023) A/HRC/53/21، کمیسیون به الگوی "تخریب گسترده و سیستماتیک اموال غیرنظامی" در غزه اشاره می‌کند که "نمی‌توان آن را با ضرورت‌های نظامی توجیه کرد."^{۲۷} کمیسیون با مقایسه تخریب‌های سال‌های ۲۰۰۹، ۲۰۱۴ و ۲۰۲۱، نشان می‌دهد که این الگو در طول زمان تکرار شده است.

۲. **الگوی هدف قرار دادن کارکنان و تأسیسات پزشکی:** کمیسیون حملات مکرر به بیمارستان‌ها، آمبولانس‌ها و پرسنل درمانی در غزه را مستند کرده و آن را بخشی از یک الگوی نگران‌کننده می‌داند که حقوق بشردوستانه و همچنین حق سلامت را نقض می‌کند.

۳. **الگوی استفاده از نیروی کشنده فراتر از ضرورت:** در گزارش‌های مربوط به کرانه باختری، کمیسیون موارد متعددی را ثبت کرده که در آن نیروهای اسرائیلی در برابر تهدیداتی که حیاتی نبوده‌اند، از نیروی کشنده استفاده کرده‌اند، که نشان‌دهنده الگویی از استفاده نامتناسب از زور است.

ب) تحلیل ساختاری و نهادی: کمیسیون نقض‌های مستندشده را به ساختارهای نهادی، قوانین و سیاست‌های کلان اسرائیل مرتبط می‌سازد. این تحلیل در چند سطح به شرح زیر انجام گرفته است:

۱. **سطح قانونگذاری و سیاست‌گذاری:** بررسی قوانین اسرائیل که تبعیض سیستماتیک علیه فلسطینیان را نهادینه می‌کند، مانند "قانون دولت-ملت یهودی" (۲۰۱۸) که حق تعیین سرنظور را منحصر به یهودیان می‌کند، یا قوانین مربوط به اتحاد خانواده که حق زندگی خانوادگی فلسطینیان را محدود می‌سازد.

۲. **سطح دکترین و رویه نظامی:** تحلیل دکترین‌های نظامی اسرائیل مانند "دکترین کشتن چمن" که توجیه‌گر عملیات دوره‌ای علیه غزه یا دکترین‌های مربوط به "تیراندازی مرگبار" در مرز غزه است.

۳. **سطح اداری و اجرایی:** بررسی رویه‌های نهادهای اداری مانند اداره مدنی اسرائیل در کرانه باختری که صدور مجوز ساخت برای فلسطینیان را به شدت محدود می‌کند، در حالی که گسترش شهرک‌های یهودینشین را تسهیل می‌نماید. این تحلیل ساختاری، مسئولیت را از سطح افراد (مانند سربازان منفرد) به سطح دولت و نهادهای آن ارتقا می‌دهد و نشان می‌دهد که نقض‌ها تصادفی یا موردی نیستند، بلکه نتیجه منطقی یک نظام حقوقی و اداری طراحی شده هستند.

ج) وصف حقوقی پیشرو: کمیسیون در استفاده از مفاهیم و وصف‌های حقوقی جسارت به خرج داده است. مهم‌ترین نمونه، بررسی این مسئله است که آیا اقدامات اسرائیل جنایت بین‌المللی آپارتاید را تشکیل می‌دهد یا خیر؟ در گزارش A/HRC/53/21، کمیسیون پس از بررسی مفاد اساسنامه رم دیوان کیفری بین‌المللی و کنوانسیون بین‌المللی منع و مجازات آپارتاید (۱۹۷۳)، به این نتیجه می‌رسد که "شواهد و اطلاعات جمع‌آوری شده، نشان‌دهنده شاخصه‌هایی است که با تعریف حقوقی آپارتاید مطابقت دارد."^{۲۸} کمیسیون استدلال می‌کند که اسرائیل با اعمال "نظامی از سلطه و قوانین تبعیض‌آمیز علیه فلسطینیان" مرتکب این جنایت شده است.

²⁷ . United Nations Human Rights Council, "Report...", A/HRC/53/21 (2023), para. 52.

²⁸ Ibid. , para. 88.

این وصف حقوقی، اگرچه پیش از این توسط سازمان‌های حقوق بشری مانند عفو بین‌الملل و دیده‌بان حقوق بشر نیز مطرح شده بود، اما هنگامی که توسط یک نهاد رسمی تحقیق سازمان ملل ارائه می‌شود، وزن و اعتبار متفاوتی پیدا می‌کند. این اقدام، نشان‌دهنده تمایل کمیسیون به پیشبرد مرزهای گفتمان حقوقی و به چالش کشیدن روایت رسمی اسرائیل است.

۳/۲. مرحله فعال‌سازی شبکه: بررسی تأثیر گزارش‌ها بر نهادهای بین‌المللی

یافته‌ها و تحلیل‌های کمیسیون، شبکه گسترده‌ای از کنشگران بین‌المللی به شرح زیر را فعال و داده‌های حقوقی را برای آن‌ها تأمین کرده است:

الف) دیوان کیفری بین‌المللی: ارتباط بین کمیسیون تحقیق و دفتر دادستان دیوان کیفری بین‌المللی یکی از واضح‌ترین نمونه‌های فعال‌سازی شبکه است. در مارس ۲۰۲۳، دفتر دادستان دیوان در گزارشی به مجمع کشورهای عضو اساسنامه رم اعلام کرد که در حال بررسی وضعیت فلسطین است و به‌طور خاص به گزارش کمیسیون تحقیق اشاره نمود.^{۲۹} این گزارش به عنوان یکی از منابع اطلاعاتی معتبر مورد استناد قرار گرفته بود. روشن است که تحلیل‌های ساختاری کمیسیون درباره سیاست‌های اسرائیل و وصف حقوقی اقدامات آن به عنوان جنایات بین‌المللی، می‌تواند چارچوب تحلیلی دفتر دادستان را شکل دهد. استاندارد ادله "دلایل معقول برای باور" نیز که توسط کمیسیون به کار رفته، با استانداردهای مرحله مقدماتی تحقیقات دفتر دادستان سازگار است.^{۳۰}

ب) دیوان بین‌المللی دادگستری: در دادخواست تاریخی آفریقای جنوبی علیه اسرائیل در دسامبر ۲۰۲۳ تحت کنوانسیون منع و مجازات جنایت نسل‌کشی، گزارش‌های کمیسیون تحقیق به‌طور گسترده مورد استناد قرار گرفت.^{۳۱} اگرچه این دادخواست مستقیماً بر اساس گزارش‌های کمیسیون تنظیم نشده بود، اما یافته‌های کمیسیون درباره شرایط انسانی در غزه، الگوهای حمله به غیرنظامیان و زیرساخت‌های حیاتی و تحلیل ساختاری از سیاست‌های اسرائیل، به تقویت ادعاهای آفریقای جنوبی کمک شایانی کرد. این نمونه، نشان‌دهنده نحوه "تامین داده‌های حقوقی" نهادهای قضایی بین‌المللی توسط دانش تولیدشده کمیسیون است. از سوی دیگر "دیوان بین‌المللی دادگستری" در تفسیر و توسعه مفاهیم کلیدی حقوق بشردوستانه از جمله تعهد به تضمین اجرای ماده ۱ مشترک نقش داشته است. به‌ویژه، رویه قضایی دیوان در مواردی چون قضیه دیوار حائل (۲۰۰۴) و کنگو علیه اوگاندا (۲۰۰۵) نشان می‌دهد که تعهد دول به تضمین اجرای قواعد بشردوستانه فراتر از روابط دو جانبه بوده و به عنوان تعهدی عام‌الشمول قابل استناد است. از این رو، این نقش دیوان از طریق گزارش‌های ارایه شده توسط سازوکارهای نظارتی بین‌المللی از جمله کمیسیون تحقیق شورای حقوق بشر، تقویت می‌گردد.

یکی از کارکردهای مهم کمیسیون‌های تحقیق معاصر، نقش آنها به عنوان "مکانیسم اصلاحی" در برابر ناکارآمدی‌های سیاسی، به ویژه در شرایطی که شورای امنیت به دلیل وتوی اعضای دائم فلج شده است، می‌باشد. در چنین شرایطی، کمیسیون‌های تحقیق شورای حقوق بشر، به نمایندگی از افکار عمومی جهانی، با هدف محکومیت نقض‌ها، داده‌های حقوقی را برای محاکم قضایی بین‌المللی فراهم می‌کنند.

ج) نهادهای سیاسی سازمان ملل:

²⁹ . International Criminal Court, Office of the Prosecutor, *Report on Preliminary Examination Activities* (The Hague: ICC, 2023).

³⁰ . Schabas, *An Introduction to the International Criminal Court*.

³¹ . *Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide in the Gaza Strip (South Africa v. Israel)*, Application Instituting Proceedings and Request for Provisional Measures (2023)

۱. **مجمع عمومی سازمان ملل:** در قطعنامه‌های متعدد مجمع عمومی درباره وضعیت فلسطین، به‌ویژه قطعنامه‌های مربوط به درخواست نظر مشورتی از دیوان بین‌المللی دادگستری درباره عواقب قانونی اشغال، به یافته‌های کمیسیون استناد شده است.
۲. **شورای حقوق بشر:** به عنوان نهاد مادر کمیسیون، شورای حقوق بشر به‌طور منظم گزارش‌های کمیسیون را دریافت کرده و در قطعنامه‌های خود به آن‌ها ارجاع داده است. برای مثال، در قطعنامه که در آوریل ۲۰۲۳ تصویب شد، شورا "گزارش جامع کمیسیون" را یادآور شده و از اسرائیل خواست تا به توصیه‌های آن عمل کند.
۳. **کمیته ویژه سازمان ملل برای تحقیق در مورد اقدامات اسرائیل علیه حقوق بشر ملت فلسطین:** این کمیته که از سال ۱۹۶۸ فعالیت می‌کند، همکاری نزدیکی با کمیسیون تحقیق داشته و از یافته‌های آن در گزارش‌های سالانه خود استفاده کرده است.

د) سازمان‌های منطقه‌ای:

۱. **اتحادیه اروپا:** اگرچه موضع رسمی اتحادیه اروپا در قبال گزارش‌های کمیسیون یکپارچه نبوده (به دلیل اختلاف نظر میان کشورهای عضو)، اما پارلمان اروپا در چندین قطعنامه خود به یافته‌های کمیسیون استناد کرده و خواستار اجرای توصیه‌های آن شده است.
۲. **اتحادیه عرب:** این اتحادیه به‌طور فعال از یافته‌های کمیسیون حمایت کرده و در بیانیه‌ها و قطعنامه‌های خود به آن‌ها ارجاع داده است.
۳. **سازمان همکاری اسلامی:** همانند اتحادیه عرب، این سازمان نیز گزارش‌های کمیسیون را به عنوان سند معتبری در محکومیت اقدامات اسرائیل مورد استناد قرار داده است.
۵. **جامعه مدنی و جنبش‌های مردمی:** سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی مانند عفو بین‌الملل و دیده‌بان حقوق بشر که خود نیز گزارش‌های مفصلی درباره وضعیت فلسطین منتشر کرده‌اند، از یافته‌های کمیسیون استقبال کرده و آن را تأییدی بر تحقیقات خود دانسته‌اند.
- و) **پارلمان‌های ملی:** برخی پارلمان‌های اروپایی، مانند پارلمان ایرلند و پارلمان بلژیک، جلسات استماع ویژه‌ای را با حضور اعضای کمیسیون برگزار کرده‌اند و در قطعنامه‌های داخلی خود به یافته‌های آن استناد نموده‌اند. در برخی موارد، این امر منجر به تصویب قطعنامه‌هایی شده که دولت‌های ملی را به اقدام عملی (مانند تحریم محصولات شهرک‌ها) فراخوانده است.

۳/۳. مرحله ایجاد فشار: تأثیرات هنجاری بر گفتمان بین‌المللی

فعال‌سازی شبکه کنشگران، منجر به ایجاد فشار هنجاری چندلایه‌ای بر اسرائیل شده است:

الف) تغییر گفتمان بین‌المللی: یکی از ملموس‌ترین تأثیرات کار کمیسیون، تغییر تدریجی در گفتمان بین‌المللی درباره مسئله فلسطین است. پیش از این، گفتمان غالب عمدتاً حول محور "مناقشه دو دولت" و "مذاکرات صلح" می‌چرخید. اما گزارش‌های کمیسیون، با تأکید بر چارچوب حقوقی و تحلیل ساختارهای سلطه و تبعیض، به تدریج گفتمان جدیدی را تقویت کرده‌اند که در آن مسئله، نه یک "مناقشه" بین دو طرف برابر، بلکه یک وضعیت ناشی از اشغال، استعمار و آپارتاید تلقی می‌شود.^{۳۲} این تغییر گفتمان در رسانه‌های بین‌المللی، مجامع آکادمیک و حتی در اظهارات برخی مقامات دولتی مشهود است.

³² Neve Gordon and Nicola Perugini, *The Human Right to Dominate* (Oxford: Oxford University Press, 2020).

ب) مشروعیت‌زدایی از سیاست‌های اسرائیل: یافته‌های مستند و تحلیل‌های حقوقی کمیسیون، به افزایش هزینه سیاسی ادامه سیاست‌های فعلی اسرائیل کمک کرده است. هنگامی که اقداماتی مانند گسترش شهرک‌ها یا عملیات نظامی در غزه نه صرفاً به عنوان "اقدامات امنیتی" بلکه به عنوان "نقض احتمالی حقوق بین‌الملل" یا "جنایات بین‌المللی" صورتبندی می‌شوند، مشروعیت آن‌ها در چشم جامعه بین‌المللی کاهش می‌یابد. این امر، متحدان سنتی اسرائیل (به ویژه در غرب) را در موضع دفاعی قرار داده و گاه آن‌ها را وادار به ابراز "نگرانی" یا حتی انتقاد علنی کرده است.

ج) تقویت کنشگری جامعه مدنی: گزارش‌های کمیسیون به عنوان سند معتبری در دسترس فعالان حقوق بشر و سازمان‌های جامعه مدنی قرار گرفته است. این امر به چند طریق به تقویت کنشگری کمک کرده است:

۱. **افزایش اعتبار ادعاها:** هنگامی که یک سازمان غیردولتی ادعایی را مطرح می‌کند، می‌تواند به گزارش رسمی کمیسیون استناد کند تا ادعای خود را مستند سازد.

۲. **توسعه چارچوب تحلیلی:** تحلیل‌های ساختاری کمیسیون (مانند تحلیل آپارتاید) چارچوبی مفهومی در اختیار کنشگران قرار داده که بر اساس آن می‌توانند وضعیت را تحلیل و اقدامات خود را توجیه کنند.

۳. **هدف‌گیری مؤثرتر:** مستندات کمیسیون درباره شرکت‌های بین‌المللی فعال در شهرک‌ها، به کمپین‌های BDS کمک کرده است تا هدف‌گیری دقیق‌تری داشته باشند.

د) تأثیر بر تصمیم‌گیری‌های اقتصادی: برخی صندوق‌های سرمایه‌گذاری و شرکت‌های چندملیتی، تحت تأثیر گزارش‌های کمیسیون و فشارهای ناشی از آن، تصمیم گرفته‌اند از سرمایه‌گذاری در پروژه‌های مرتبط با شهرک‌ها یا همکاری با شرکت‌های فعال در آن‌ها خودداری کنند. برای مثال، چندین بانک و صندوق بازنشستگی اروپایی پس از انتشار گزارش‌هایی که به استناد یافته‌های کمیسیون، سرمایه‌گذاری در شهرک‌ها را نقض حقوق بشر قلمداد می‌کردند، از این سرمایه‌گذاری‌ها خارج شدند.

ه) شکل‌دهی به حقوق بین‌الملل عرفی: استمرار در شناسایی و محکومیت اقدامات خاص به عنوان نقض حقوق بین‌الملل توسط نهادهای معتبری مانند کمیسیون تحقیق، می‌تواند به شکل‌گیری یا تقویت قواعد عرفی بین‌المللی کمک کند. برای مثال، تأکید مکرر کمیسیون بر این که شهرک‌سازی نه تنها نقض کنوانسیون چهارم ژنو که نقض قواعد آمره است، می‌تواند در بلندمدت به تقویت این قاعده به عنوان یک قاعده عرفی کمک نماید.^{۳۳}

۴. موردکاوی: غزه به عنوان عرصه تشدید نظارت مع‌الواسطه

۴/۱. تحلیل یکپارچه محاصره غزه: تعامل نقض حقوق اقتصادی-اجتماعی و اصول حقوق بشردوستانه

محاصره زمینی، دریایی و هوایی غزه که از سال ۲۰۰۷ توسط اسرائیل اعمال شده، یکی از محورهای اصلی تحلیل کمیسیون تحقیق بوده است. کمیسیون در رویکردی یکپارچه، این محاصره را هم از منظر حقوق بشردوستانه و هم از منظر حقوق بشر مورد بررسی قرار داده است.

الف) حقوق بشردوستانه بین‌المللی: کمیسیون، محاصره غزه را ذیل کنوانسیون چهارم ژنو راجع به حمایت از افراد غیرنظامی در زمان جنگ (۱۹۴۹) تحلیل کرده است. بر اساس این کنوانسیون:

۱. **ماده ۳۳:** مجازات‌های جمعی را ممنوع می‌کند. کمیسیون استدلال کرده که محاصره غزه، به دلیل تأثیر یکسان آن بر کل جمعیت غیرنظامی، ماهیت مجازات جمعی دارد.^{۳۴}

³³ . Antonio Cassese, *International Law*, 3rd ed. (Oxford: Oxford University Press, 2018)

³⁴ . United Nations Human Rights Council, "Report...", A/HRC/56/26 (2024), para. 15.

۲. ماده ۵۵: دولت اشغالگر را موظف می‌کند که "تا حد امکان، با کلیه وسایل ممکن، تأمین غذا و مراقبت‌های پزشکی جمعیت را تضمین کند". کمیسیون خاطر نشان می‌سازد که اسرائیل نه تنها این تعهد را انجام نداده، بلکه با محاصره، دسترسی به غذا، دارو و تجهیزات پزشکی را به شدت محدود کرده است.

۳. ماده ۵۶: بر وظیفه دولت اشغالگر در حفظ نظام بهداشت عمومی و بهداشت محیط تأکید دارد. کمیسیون، بحران سیستم تصفیه فاضلاب و آلودگی آب آشامیدنی در غزه را مستقیماً با محاصره مرتبط دانسته است.

کمیسیون همچنین مسئله مشروعیت محاصره دریایی را بررسی کرده است. براساس حقوق بین‌الملل دریاها و حقوق بشردوستانه، یک محاصره دریایی زمانی مشروع است که: (۱) اعلام شود؛ (۲) مؤثر باشد؛ (۳) به طور یکسان بر کشتی‌های همه دولت‌ها اعمال شود؛ و (۴) ضرورت نظامی داشته باشد. کمیسیون، با استناد به گزارش‌های نهادهای بین‌المللی مانند کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، استدلال کرده که محاصره غزه، با ایجاد بحران انسان‌دوستانه گسترده، اصل تناسب را نقض کرده است.^{۳۵} به عبارت دیگر، حتی اگر محاصره اهداف نظامی مشروعی داشته باشد، آسیب انسانی ناشی از آن به وضوح بیش از منفعت نظامی مورد انتظار است.

تحلیل براساس حقوق بشر بین‌المللی: کمیسیون محاصره را از منظر چندین سند کلیدی حقوق بشر نیز بررسی کرده است:

ب) میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی: کمیسیون محاصره را نقض چندین حق مندرج در این میثاق از جمله: حق غذا (ماده ۱۱): محدودیت شدید بر ورود مواد غذایی، کشاورزی و ماهیگیری، حق بهداشت (ماده ۱۲): ممانعت از ورود دارو، تجهیزات پزشکی و قطعات یدکی، حق کار (ماده ۶): نابودی اقتصاد محلی و بیکاری گسترده ناشی از محاصره، حق آموزش (ماده ۱۳): تأثیر بر کیفیت آموزش به دلیل کمبود منابع، برق و امکان حرکت دانش‌آموزان و اساتید دانسته است.

پ) نقض کنوانسیون حقوق کودک: محاصره را به دلیل تأثیر نامتناسب بر کودکان (سوءتغذیه، مشکلات روانی، محدودیت در تحصیل) نقض این کنوانسیون دانسته است.

نوآوری کمیسیون در این است که نشان می‌دهد چگونه محاصره، چرخه معیوبی ایجاد می‌کند که در آن نقض حقوق اقتصادی-اجتماعی، آسیب‌پذیری جمعیت را در برابر نقض حقوق بشردوستانه در زمان درگیری‌های مسلحانه افزایش می‌دهد و بالعکس. برای مثال، سوءتغذیه ناشی از محاصره، کودکان را در برابر بیماری‌ها آسیب‌پذیرتر می‌کند. هنگامی که درگیری مسلحانه رخ می‌دهد و سیستم بهداشتی نیز به دلیل محاصره ضعیف شده است، این کودکان بیشتر در معرض مرگ و میر قرار می‌گیرند (نقض کنوانسیون چهارم ژنو). این تحلیل یکپارچه، پیچیدگی و عمق فاجعه انسانی در غزه را به خوبی نشان می‌دهد.

۴/۲. مستندسازی الگوهای نقض در عملیات نظامی مکرر: اصل تفکیک، تناسب و احتیاط

کمیسیون در گزارش‌های خود، به‌طور خاص بر تحلیل عملیات نظامی اسرائیل در غزه با توجه به اصول بنیادین حقوق بشردوستانه متمرکز شده است. این اصول که در ماده ۵۷ پروتکل الحاقی اول به کنوانسیون‌های ژنو (۱۹۷۷) آمده‌اند، شامل موارد زیر است:

الف) اصل تفکیک: فرماندهان را موظف می‌کند که تنها اهداف نظامی را هدف قرار دهند. کمیسیون در گزارش A/HRC/53/21 موارد متعددی از نقض این اصل توسط نیروهای اسرائیلی مستند کرده است؛ از جمله حملات به ساختمان‌های مسکونی بدون کاربرد نظامی، هدف قرار دادن روزنامه‌نگاران قابل شناسایی، و استفاده از تسلیحات با اثر انفجاری گسترده در مناطق پرجمعیت که ذاتاً قادر به تمایز نیستند.^{۳۶} کمیسیون استدلال می‌کند که تکرار این موارد نشان‌دهنده الگویی سیستماتیک است که می‌تواند حاکی از عدم رعایت تعمدی اصل تفکیک یا بی‌احتیاطی فاحش در رعایت آن باشد.

³⁵ Sassòli, *International Humanitarian Law*.

³⁶ . International Committee of the Red Cross (ICRC), *Interpretive Guidance on the Notion of Direct Participation in Hostilities under International Humanitarian Law* (Geneva: ICRC, 2020)

ب) اصل تناسب: اصل تناسب ایجاب می‌کند که حتی در حمله به یک هدف نظامی مشروع، آسیب احتمالی به غیرنظامیان باید با مزیت نظامی مورد انتظار تناسب داشته باشد. کمیسیون در بررسی عملیات‌های مختلف بارها به این نتیجه رسیده که این اصل نقض شده است. برای نمونه، در حمله به ساختمانی با حضور یک فرمانده حماس، ده‌ها غیرنظامی جان باختند و این پرسش مطرح است که آیا مزیت نظامی حذف یک فرمانده توجیه‌گر چنین تلفاتی است. همچنین تخریب کامل برج‌های مسکونی به دلیل حضور افراد مرتبط با گروه‌های مسلح در واحدهایی از آن، به بی‌خانمانی صدها خانواده انجامید. کمیسیون تأکید می‌کند که ارزیابی تناسب باید پیش از حمله صورت گیرد و فرماندهان موظف‌اند پیش از صدور دستور، برآورد دقیقی از تلفات غیرنظامی داشته باشند.

ج) اصل احتیاط: این اصل دو جنبه دارد: احتیاط در حمله و احتیاط در برابر آثار حمله. کمیسیون موارد متعددی از نقض هر دو جنبه را مستند کرده است:

۱. **احتیاط در حمله:** شامل انتخاب سلاح‌ها و روش‌هایی که کمترین آسیب تصادفی را داشته باشند، تأیید ماهیت هدف و هشدار به غیرنظامیان در صورت امکان. کمیسیون مواردی را ثبت کرده که در آن‌ها هشدار مؤثری داده نشده است مانند "کوبیدن روی سقف"^{۳۷} که گاه تنها چند دقیقه قبل از حمله انجام می‌شود.

۲. **احتیاط در برابر آثار حمله:** این شامل ایجاد پناهگاه‌های امن برای غیرنظامیان است. کمیسیون اشاره کرده که محاصره غزه و محدودیت بر ورود مصالح ساختمانی، مانع از ساخت پناهگاه‌های استاندارد شده و حتی مدارس و بیمارستان‌های سازمان ملل که به عنوان پناهگاه استفاده می‌شوند، در معرض حمله قرار گرفته‌اند.

تحلیل کمیسیون از الگوهای تکرارشونده: کمیسیون تأکید می‌کند که نقض این اصول، تصادفی یا موردی نیست. بلکه بررسی عملیات‌های سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۰۹ (Operation Cast Lead)، ۲۰۱۴ (Operation Protective Edge) و ۲۰۲۱ (Operation Guardian of the Walls) نشان می‌دهد که الگوهای مشابهی از تخریب گسترده، تلفات سنگین غیرنظامی و استفاده از روش‌ها و وسایلی که اصول تفکیک، تناسب و احتیاط را زیر پا می‌گذارند، تکرار شده‌اند.^{۳۸} این الگوی تکرارشونده، تحلیل کمیسیون را به سمت بررسی سیاست‌ها و دکترین‌های سطح بالا سوق داده است.

۴/۳. صورتبندی «تداوم درگیری»: گذار از تحلیل دوره‌های جنگ مجزا به بررسی سیستم خشونت ساختاری

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای تحلیلی کمیسیون، صورتبندی وضعیت غزه نه به عنوان مجموعه‌ای از "دوره‌های جنگ و صلح مجزا"، بلکه به عنوان یک "تداوم درگیری" است. این چارچوب تحلیلی دارای چندین مؤلفه کلیدی است:

۱. **۴/۳.۱ رد دوگانگی جنگ / صلح:** در روایت رسمی اسرائیل و رسانه‌های غالب، وضعیت غزه به دوره‌های آتش‌بس و جنگ‌های تمام‌عیار تقسیم می‌شود. کمیسیون این دوگانگی را به چالش می‌کشد و استدلال می‌کند که حتی در دوره‌های آتش‌بس، خشونت ساختاری شامل خشونت اقتصادی (محاصره)، خشونت سیاسی (محرومیت از حق تعیین سرنوشت و زندگی تحت حکومت نظامی) و خشونت روانی (ترس مداوم از حمله و ناامنی وجودی) ادامه دارد. بنابراین، دوره‌های جنگ شدید نه رویدادهایی مجزا، بلکه اوج‌های یک وضعیت مستمر خشونت هستند.

۲. **۴/۳.۲ ارتباط متقابل عوامل:** کمیسیون نشان می‌دهد که چگونه عوامل مختلف زیر به هم مرتبط هستند و یک سیستم خشونت را تشکیل می‌دهند. این چرخه معیوب وضعیتی پایدار از درگیری و رنج ایجاد می‌کند.

۱. محاصره، اقتصاد غزه را نابود می‌کند و وابستگی به کمک‌های خارجی را افزایش می‌دهد.
۲. فقر و ناامیدی ناشی از محاصره، به نوبه خود می‌تواند به افزایش نفوذ گروه‌های مسلح و تنش‌های سیاسی دامن بزند.

^{۳۷} یک تکنیک نظامی هشدار پیش از حمله است که توسط نیروهای دفاعی اسرائیل (IDF) در عملیات‌های نظامی علیه غزه به کار گرفته می‌شود.

^{۳۸} United Nations Human Rights Council, "Report...", A/HRC/53/21 (2023).

۳. تنش‌های سیاسی و اقدامات گروه‌های مسلح، بهانه‌ای برای عملیات نظامی گسترده اسرائیل فراهم می‌کند.

۴. عملیات نظامی، تخریب بیشتری ایجاد کرده و وابستگی به کمک‌ها را تشدید می‌کند.

۳.۴. **مسئولیت نظام‌مند:** این چارچوب تحلیلی، مسئولیت را از بررسی "چه کسی در یک حمله خاص مقصر است" به تحلیل "چه نظامی از سیاست‌ها و اقدامات، این چرخه خشونت را تداوم می‌بخشد" تغییر می‌دهد. در این نگاه، قدرتی است که کنترل اصلی بر این نظام را در دست دارد - یعنی اسرائیل به عنوان قدرت اشغالگر - دارای کنترل مؤثر بر غزه مسئولیت اصلی را بر عهده دارد. (حتی اگر به طور مستقیم آن را اداره نکند).

۴.۳. **پیامدهای حقوقی:** چارچوب "تداوم درگیری" پیامدهای مهمی برای حقوق بین‌الملل دارد:

۱. **در حقوق بشردوستانه:** این چارچوب نشان می‌دهد که در شرایطی مانند غزه، می‌توان از یک "درگیری مسلحانه" غیربین‌المللی طولانی‌مدت، صحبت کرد، نه از مجموعه‌ای از درگیری‌های مجزا. این چارچوب بر قواعد حاکم (مانند امکان هدف قرار دادن) حتی در دوره‌های آرامش نسبی، تأثیر می‌گذارد.

۲. **در حقوق بشر:** این چارچوب بر این تأکید می‌کند که تعهدات حقوق بشری اسرائیل به ویژه تحت میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در همه زمان‌ها قابل اعمال است، نه تنها در دوره‌های جنگ شدید و محاصره که یک اقدام مستمر است، باید ذیل این تعهدات به صورت دائمی ارزیابی شود.

۵.۳. **پیامدهای سیاسی و اخلاقی:** سرانجام، این چارچوب تحلیلی، روایت سیاسی مسلط را به چالش می‌کشد. اگر وضعیت یک "تداوم درگیری" است، آنگاه راه‌حل نمی‌تواند صرفاً "آتش‌بس" یا حتی "مذاکرات صلح" به معنای سنتی آن باشد. بلکه باید به علل ریشه‌ای سیستماتیک مانند: پایان اشغال، پایان محاصره و برچیدن نظام تبعیض، پرداخت. این پیام اصلی بسیاری از گزارش‌های کمیسیون تحقیق است.

۵. محدودیت‌ها و چالش‌های مدل نظارت مع‌الواسطه

کار کمیسیون تحقیق با چالش‌های قابل توجهی مواجه است که اثربخشی مدل نظارت مع‌الواسطه را محدود می‌سازد.^{۳۹}

۵.۱. **چالش عدم همکاری و دسترسی:** سیاست عدم همکاری اسرائیل، دسترسی کمیسیون به قلمرو، اسناد رسمی و مقامات را مسدود کرده است.^{۴۰} اگرچه روش‌های تحقیق از راه دور توسعه یافته، اما نمی‌توانند کاملاً جایگزین مشاهده میدانی مستقیم شوند.^{۴۱} این امر به شکاف‌های اطلاعاتی منجر شده و زمینه را برای اتهام «یک‌جانبه‌گرایی» گزارش‌ها فراهم کرده است.^{۴۲}

۵.۲. **سیاسی‌شدگی فضای کار:** کمیسیون در فضایی به شدت سیاسی‌شده فعالیت می‌کند. اتهام دیرینه «جانبداری سیستماتیک» علیه شورای حقوق بشر (به ویژه به دلیل «موضوع ۷» دستور کار آن)^{۴۳} بر دریافت کار کمیسیون نیز سایه انداخته است.^{۴۴} این امر منجر به تقسیم‌بندی سیاسی در واکنش به گزارش‌ها شده است، به طوری که موضع دولت‌ها به جای ارزیابی حقوقی مستقل از محتوای گزارش‌ها بیشتر بر اساس خطوط سیاسی پیش‌موجود شکل می‌گیرد.^{۴۵} همان‌طور که در تحلیل‌های داخلی نیز

³⁹ . Kim, "The Role of UN Commissions of Inquiry," ۷۰-۷۵.

⁴⁰ . United Nations Human Rights Council, "Report...", A/HRC/53/21 (2023), para. 10.

⁴¹ . OHCHR, *Commissions of Inquiry and Fact-Finding Missions*, ۲۲-۲۵.

⁴² . Becker and Nouwen, "International Commissions of Inquiry," 107.

^{۴۳} موضوع وضعیت حقوق بشر در فلسطین و سایر سرزمین‌های عربی اشغالی

⁴⁴ Ibid., ۱۰۵.

⁴⁵ . Alston and Knuckey, *The Transformation of Human Rights Fact-Finding*, 312.

اشاره شده، شورای حقوق بشر مانند سایر نهادهای بین‌المللی از تأثیر قدرت‌ها و اعمال نفوذ بازیگران مختلف مصون نیست و این امر بر کارکرد نظارتی آن تأثیر می‌گذارد.^{۴۶}

۵/۳. **شکاف اجرایی و دشواری سنجش تأثیر:** مهم‌ترین محدودیت ساختاری، شکاف اجرایی است. کمیسیون فاقد ابزار اجرای مستقیم توصیه‌های خود است.^{۴۷} سنجش «تأثیر» نیز دشوار است، زیرا ممکن است کیفی، غیرمستقیم و بلندمدت باشد (مانند تغییر گفت‌وگو یا توانمندسازی جامعه مدنی) و اثبات علیت مستقیم بین کار کمیسیون و یک تغییر خاص مشکل است.^{۴۸}

۴. **چالش‌های روش‌شناختی در تعامل با حقوق بین‌الملل:** استفاده از حقوق بین‌الملل توسط کمیسیون‌های تحقیق با چالش‌های متعددی همراه است. نخست، مسئله «انتخاب قانون» است که آیا صرفاً به حقوق بشر بسنده کنند یا به حقوق بشردوستانه نیز استناد نمایند. دوم، نحوه تفسیر قانون است. برخی کمیسیون‌ها در تعریف جنایت علیه بشریت، الزام وجود «خط مشی» مندرج در بند «الف» بند ۲ ماده ۷ اساسنامه رم را نادیده گرفته‌اند تا بتوانند اقدامات گروه‌های شورشی را نیز در این چارچوب تحلیل کنند. سوم، رابطه میان حقوق بشر و حقوق بشردوستانه است. رویکرد رایج این است که بر نقض‌های حقوق بشردوستانه تمرکز کنند با این استدلال که چنین نقض‌هایی معمولاً مصداق نقض حقوق بشر نیز هستند، رویکردی که از نظر حقوقی مورد انتقاد قرار گرفته است.^{۴۹}

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

این پژوهش با به‌کارگیری چارچوب نظری نظارت مع‌الواسطه نشان داد که کمیسیون تحقیق شورای حقوق بشر در مورد سرزمین‌های اشغالی فلسطین، چگونه به‌رغم عدم برخورداری از قدرت اجرایی مستقیم و مواجهه با همکاری نکردن دولت مربوطه، به ایفای نقش در پاسخگو کردن اسرائیل می‌پردازد. پاسخ به پرسش تحقیق در سه مرحله نظارت مع‌الواسطه خلاصه می‌شود:

۱. **در مرحله تولید دانش معتبر،** کمیسیون با روش‌شناسی نوین، گزارش‌های حقوقی عمیقی با سه ویژگی مستندسازی الگوهای تکرارشونده نقض، تحلیل ساختاری و نهادی، و بررسی اتهاماتی مانند آپارتاید در مورد اسرائیل تهیه کرده است. رویکرد یکپارچه کمیسیون در تلفیق حقوق بشر بین‌المللی و حقوق بشردوستانه بین‌المللی، چارچوب تحلیلی جامعی برای بررسی وضعیت اشغال طولانی‌مدت ارائه داده است.

۲. **در مرحله فعال‌سازی شبکه،** یافته‌های کمیسیون، کنشگران بین‌المللی از جمله نهادهای قضایی (دیوان کیفری بین‌المللی و دیوان بین‌المللی دادگستری)، نهادهای سیاسی سازمان ملل، سازمان‌های منطقه‌ای، جامعه مدنی و پارلمان‌های ملی را در تأمین داده‌های حقوقی توانمند ساخته است.

۳. **در مرحله ایجاد فشار هنجاری،** کار کمیسیون به تغییر تدریجی گفت‌وگو بین‌المللی، مشروعیت‌زدایی از سیاست‌های اسرائیل، تقویت کنشگری جامعه مدنی و تأثیر بر تصمیم‌گیری‌های اقتصادی انجامیده که در بلندمدت می‌تواند محاسبات هزینه-فایده اسرائیل و متحدانش را تغییر دهد.

^{۴۶} مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، «شبکه حکمرانی جهانی حقوق بشر و نقش شورای حقوق بشر»، گزارش تحقیقی شماره ۱۹۸۷۶ (تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۲).

^{۴۷} Kim, "The Role of UN Commissions of Inquiry," 72.

^{۴۸} Bărcă, "The Normative Power of UN Fact-Finding Missions," 250-255.

^{۴۹} van den Herik, «An Inquiry into the Role of Commissions of Inquiry», ۵۴۵-۵۴۶.

با توجه به بررسی صورت گرفته در این مقاله می‌توان گفت که کمیسیون تحقیق سرزمین‌های اشغالی فلسطین مصداقی بارز از نظارت مع‌الواسطه در عمل است.^{۵۰} این کمیسیون نشان داده است که یک نهاد غیرقضایی چگونه می‌تواند علیرغم عدم برخورداری از قدرت اجرایی، از طریق تحلیل هم‌زمان نقض‌های حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی، نقض‌ها را در قالبی ساختاری، مستمر و علی‌نشان دهد و با تولید دانش حقوقی معتبر، فعال‌سازی شبکه کنشگران و ایجاد فشار هنجاری، نقشی اساسی در پاسخگو نمودن دولت‌ها ایفا نماید.^{۵۱} و نهایتاً عملکرد این نهاد در مستندسازی نقض‌های فاحش و صورتبندی مسئولیت بین‌المللی، نمونه‌ای عینی از کاربست راهکارهای مبتنی بر تعهد به تضمین اجرا و فشار هنجاری چندجانبه است.^{۵۲}

نوآوری کمیسیون در رویکرد یکپارچه به حقوق بشر و حقوق بشردوستانه،^{۵۳} تحلیل ساختاری از نظام‌های تبعیض و صورتبندی پیشرو مسائل (مانند بررسی اتهام آپارتاید)، چارچوب مفهومی جدیدی برای درک وضعیت فلسطین ارائه داده است.^{۵۴} اگر چه تأثیرات مستقیم و فوری آن محدود بوده، اما تأثیرات غیرمستقیم آن بر گفت‌وگو بین‌المللی، تقویت پرونده‌های قضایی و توانمندسازی جامعه مدنی قابل توجه است.^{۵۵}

محدودیت‌های پیش‌روی کمیسیون - شکاف اجرایی، سیاسی‌شدگی و چالش‌های روش‌شناختی - نشان می‌دهد که نظارت مع‌الواسطه یک راه‌حل کامل نیست، بلکه مکانیسمی تکمیلی در کنار دیگر ابزارهای پاسخگویی است.^{۵۶} آینده اثربخشی چنین مکانیسم‌هایی در گرو توانایی آن‌ها برای حفظ استقلال، توسعه نوآوری‌های روش‌شناختی و ایجاد ائتلاف‌های استراتژیک با طیف گسترده‌ای از کنشگران در شبکه بین‌المللی حقوق بشر است.^{۵۷}

در مجموع، می‌توان گفت که کمیسیون‌های تحقیق شورای حقوق بشر، اگرچه از نظر نام با نمونه‌های اولیه خود در کنوانسیون‌های لاهه اشتراک دارند، اما از نظر کارکرد و هدف، تفاوتی بنیادین با آن‌ها یافته‌اند. جایی که کمیسیون‌های تحقیق سنتی عمدتاً به دنبال "کشف حقایق" برای "حل‌وفصل اختلافات" و "آرام‌سازی" بودند، کمیسیون‌های تحقیق معاصر در پی "محکومیت"، "برانگیختن واکنش" و "شکل‌دهی به روایت مسلط" هستند. این تفاوت در اهداف، نحوه تعامل آن‌ها با حقوق بین‌الملل را نیز تحت تأثیر قرار داده است.^{۵۸} حقوق بین‌الملل در کمیسیون‌های معاصر نه صرفاً به عنوان معیاری برای انتخاب حقایق، بلکه به عنوان "زبان غالب ارتباط" و ساخت حقایق با هدف ایجاد عینیت و برانگیختن واکنش‌های سیاسی و تامین داده‌های حقوقی نهادهای قضایی بین‌المللی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

⁵⁰ . Kim, "The Role of UN Commissions of Inquiry," ۶۰-۶۵.

⁵¹ . Becker and Nouwen, "International Commissions of Inquiry," 108.

⁵² محمد مهدی محمدی، «مروری بر گزارش کمیسیون مستقل بین‌المللی تحقیق در مورد اراضی اشغالی فلسطین»، تالار گفتگوی تخصصی حقوقی و سیاسی بین‌المللی انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، ۱۴۰۳، <https://unstudies.ir/iauns-forum>.

⁵³ . Milanovic, "The Lost Origins of Lex Specialis," 95.

⁵⁴ . United Nations Human Rights Council, "Report...", A/HRC/53/21 (2023), paras. 85-90.

⁵⁵ . Bărcă, "The Normative Power of UN Fact-Finding Missions," 260-265.

⁵⁶ . Alston and Knuckey, *The Transformation of Human Rights Fact-Finding*, 455.

⁵⁷ . Kim, "The Role of UN Commissions of Inquiry," ۸۰-۸۵.

⁵⁸ . van den Herik, «An Inquiry into the Role of Commissions of Inquiry», ۵۴۸-۵۴۹.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی:

- بزرگمهری، مجید و حمید جان‌نثار ملکوتی. «عملکرد شورای حقوق بشر سازمان ملل نسبت به اسرائیل». فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نوزدهم، شماره ۱ (۱۳۹۵).
- زمانی، سید قاسم. «نظارت جهانی بر اجرای حقوق بشر: از کمیسیون تا شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد». مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۹ دوره ۵ (۱۳۸۵).
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. «شبکه حکمرانی جهانی حقوق بشر و نقش شورای حقوق بشر». گزارش تحقیقی شماره ۱۹۸۷۶. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۲.
- محمدی، محمد مهدی. «مروری بر گزارش کمیسیون مستقل بین‌المللی تحقیق در مورد اراضی اشغالی فلسطین». تالار گفتگوی تخصصی حقوقی و سیاسی بین‌المللی انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد. ۱۴۰۳. <https://unstudies.ir/iauns-forum>.

ب) منابع خارجی:

- Alston, Philip, and Sarah Knuckey, eds. *The Transformation of Human Rights Fact-Finding*. Oxford: Oxford University Press, 2016.
- Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide in the Gaza Strip (South Africa v. Israel). Application Instituting Proceedings and Request for Provisional Measures. 2023.
- Bărcă, Andrei. "The Normative Power of UN Fact-Finding Missions: A Study of Mediated Impact." *International Organizations Law Review* 17, no. 2 (2020): 234–267.
- Becker, Michael, and Sarah Nouwen. "International Commissions of Inquiry: What Difference Do They Make?" *European Journal of International Law* 30, no. 1 (2019): 102–110.
- Ben-Naftali, Orna, Aeyal M. Gross, and Keren Michaeli. *The ABC of the OPT: A Legal Lexicon of the Israeli Control over the Occupied Palestinian Territory*. Cambridge: Cambridge University Press, 2021.
- Börzel, Tanja A. "European Governance: Negotiation and Competition in the Shadow of Hierarchy." *JCMS: Journal of Common Market Studies* 48, no. 2 (2010): 191–219.
- Cassese, Antonio. *International Law*. 3rd ed. Oxford: Oxford University Press, 2018.
- Cryer, Robert, Darryl Robinson, and Sergey Vasiliev. *An Introduction to International Criminal Law and Procedure*. 5th ed. Cambridge: Cambridge University Press, 2021.
- Dinstein, Yoram. *The International Law of Belligerent Occupation*. 2nd ed. Cambridge: Cambridge University Press, 2016.
- Gordon, Neve, and Nicola Perugini. *The Human Right to Dominate*. Oxford: Oxford University Press, 2020.
- International Committee of the Red Cross (ICRC). *Interpretive Guidance on the Notion of Direct Participation in Hostilities under International Humanitarian Law*. Geneva: ICRC, 2020.
- International Criminal Court, Office of the Prosecutor. *Report on Preliminary Examination Activities*. The Hague: ICC, 2023.
- Kim, Han Jun. "The Role of UN Commissions of Inquiry in the Development of International Human Rights Norms: An Analysis of the Mediated Supervision Theory." *Journal of International Law and Politics* 48, no. 1 (2016): 45–89.
- Milanovic, Marko. "The Lost Origins of Lex Specialis: Rethinking the Relationship between Human Rights and International Humanitarian Law." In *Theoretical Boundaries of Armed Conflict and Human Rights*, edited by Jens David Ohlin, 78–117. Cambridge: Cambridge University Press, 2016.
- Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights (OHCHR). *Commissions of Inquiry and Fact-Finding Missions on International Human Rights and Humanitarian Law: Guidance and Practice*. Geneva: OHCHR, 2015.
- Sassòli, Marco. *International Humanitarian Law: Rules, Controversies, and Solutions to Problems Arising in Warfare*. Cheltenham: Edward Elgar Publishing, 2019.
- Schabas, William A. *An Introduction to the International Criminal Court*. 6th ed. Cambridge: Cambridge University Press, 2023.

- United Nations Human Rights Council. "Report of the Independent International Commission of Inquiry on the Occupied Palestinian Territory, Including East Jerusalem, and Israel." A/HRC/53/21. 2023.
- United Nations Human Rights Council, "Report of the Independent International Commission of Inquiry on the Occupied Palestinian Territory, Including East Jerusalem, and Israel." A/HRC/56/26. 2024.
- United Nations Human Rights Council, "Resolution S-30/1. Ensuring Respect for International Law in the Occupied Palestinian Territory, Including East Jerusalem." A/HRC/RES/S-30/1. 2021.
- van den Herik, Larissa J. "An Inquiry into the Role of Commissions of Inquiry." *Chinese Journal of International Law* 13, no. 3 (2014): 507–537.